

الزامات حقوق بشری کشف جرم در نظام حقوقی ایران

نسرین مهرا*^۱، کامران محمودیان اصفهانی^۲

چکیده

نوشتار حاضر به منظور تحلیل الزامات حقوق بشری مربوط به حقوق متهم در فرایند کشف جرم در پرتو قواعد داخلی و نظامات بین‌المللی (اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی) به رشته تحریر درآمده است. رهیافت حاصل مؤید آن است که قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مواد متعددی با تأسی از اسناد حقوق بشری، تکالیف گوناگونی را متوجه ضابطان دادگستری به منزله اصلی‌ترین کارگزار دولتی مرحله کشف جرم کرده و حقوق متهم را در این مرحله توسعه داده است. در این خصوص سؤال اصلی این است که این قانون در نخستین فرایند کیفری (کشف جرم) چه تضمیناتی را در خصوص حقوق دفاعی و آزادی متهم به ارمغان داشته است. در این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی، حقوق مربوط به آزادی و دفاع متهم را به اعتبار اسناد بین‌المللی نامبرده بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌ایم که قانون اخیر به‌منظور تطابق با موازین حقوق بشری اهتمام ویژه‌ای میدول داشته، اما در پاره‌ای از موارد با نارسایی‌ها و نواقصی روبه‌رو بوده است که به تبیین این موارد و ارائه پیشنهادها اصلاحی پرداخته‌ایم.

کلیدواژگان

اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق متهم، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: docnas@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

مقدمه

تطور و تکامل سیر اندیشه و تمدن بشر و گذر از مجاری سخت و تاریک تاریخ، امروزه نظامی معرفتی^۱ تحت عنوان نظام بین المللی حقوق بشر را برای انسان به ارمغان آورده که مبتنی بر احترام به کرامت انسانی است. این نظام، همراه با نگرشی غایت‌مدارانه به انسان و حیثیت وی، حق‌ها و آزادی‌هایی را در چارچوبی حقوقی برای وی به ویژه در مقابل دولت مطرح می‌کند. یکی از موضوعات و مصادیق شاخص در منظومه حقوق بشر، مقوله امنیت^۲ است. یکی از ابعاد اساسی امنیت، امنیت قضایی است و «امنیت قضایی زمانی ایجاد می‌شود که دادخواه و دادخوانده، پس از توسل به دستگاه قضایی و قضات دادگستری، به وسیله اعمال اصول و رویه‌های متعارف یک دادرسی عادلانه، نسبت به اجرای تمام حقوق قضایی خویش و عدم تضییع آن احساس اطمینان کنند» (زارعی، ۱۳۸۷: ۱۶). بر این اساس، حقوق متهم و نقش آن در تأمین امنیت قضایی جامعه، یکی از موضوعات مورد توجه نظام بین المللی حقوق بشر است و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران به آن متعهد شده الزاماتی را در فرایند کشف جرم جهت تضمین حقوق متهم پیش بینی کرده‌اند. دغدغه اصلی اسناد بین المللی حقوق بشر، به پیش‌بینی ساز و کارها و نظاماتی معطوف است که به وسیله آن‌ها بتوان از حقوق متهم در مرحله کشف جرم صیانت حداکثری کرد و زمینه‌های سوءاستفاده احتمالی کارگزاران دولتی یعنی پلیس، قضات دادرسی و محاکم را به حداقل رساند. به همین منظور در عرصه داخلی نیز، قانون آیین دادرسی کیفری در مراحل پنج‌گانه کشف جرم، تعقیب، تحقیق،

۱. زمینه‌های وجودی معرفتی که حقوق بشر از آن بهره می‌برد، شامل مبانی، منابع و مبادی یا پایه‌های اعتقادی است.

پایه‌های اعتقادی نیز پایه‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی را دربر می‌گیرند.

۲. در مفهوم سنتی، امنیت فقط به امنیت نظامی محدود بوده است، اما در دنیای مدرن چند مؤلفه مهم از جمله محیط، اقتصاد، اجتماع و همیاری در تحقق امنیت نقش مهمی را ایفا می‌کنند (synder, 1999: 114). لذا در تعریفی ساده می‌توان گفت امروزه «امنیت عبارت از اطمینان خاطر است که براساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۷۶-۲۷۷).

۳. جمهوری اسلامی ایران می‌بایست قوانین داخلی خود را با تعهدات بین المللی حقوق بشر هماهنگ کند و به نهادهای حقوق بشری مانند کمیته حقوق بشر گزارش دهد. «پایبندی به این تعهد تا جایی است که اگر این تعهد بین المللی نقض شود مسئولیت بین المللی دولت را در پی خواهد داشت» (مقتدر، ۱۳۷۲: ۳۷). البته نباید از یاد ببریم که دادرسی اسلامی در جهت دادرسی منصفانه و رعایت حقوق متهم، پیشینه‌ای دیرینه‌تر از کنوانسیون‌های ذکر شده دارد به گونه‌ای که ردپاهای بعضی از این قرائت‌های نوین از حقوق متهم نظیر اصل برائت را می‌توان در حقوق بشر اسلامی مشاهده کرد (Brems: 2001, 220).

رسیدگی و اجرای حکم کیفری استانداردهایی را مطرح می‌کند که جوهرهٔ تمامی آن ضوابط، حقوق بشری و معطوف به مقولهٔ امنیت است. در این میان حقوق متهم^۱ در مرحلهٔ کشف جرایم مشهود و غیرمشهود از اهمیت والایی برخوردار است، زیرا در این فرایند مظنون به ارتکاب جرم دارای حقوقی است که رعایت آن‌ها می‌تواند در پاسداشت هرچه بیشتر اصول «دادرسی عادلانه» نقش بسزایی داشته باشد. نوشتار حاضر به منظور تحلیل الزامات حقوق بشری یکی از مراحل فرایند کیفری، یعنی «کشف جرم» به رشتهٔ تحریر در آمده است و سعی دارد حق‌های شناسایی شدهٔ متهم را در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به اعتبار اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر^۲، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نقد و تحلیل کند. بدین منظور نگارندگان طی دو بخش حقوق مربوط به آزادی متهم و حقوق دفاعی وی را با روشی توصیفی و تحلیلی ارزیابی خواهند کرد و در نهایت نیز ضمن نتیجه‌گیری پیشنهادهایی را ارائه می‌کنند.

حقوق مربوط به آزادی متهم در فرایند کشف جرم؛ ضمانت اجرای ناظر بر آن و ضوابط سلب این حق

الف) تعریف کشف جرم: کشف جرم اولین مرحله از فرایند پنج مرحله‌ای دادرسی کیفری است، تا جرمی کشف نشود چرخهٔ دادرسی کیفری به حرکت در نخواهد آمد (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۶). کشف جرم در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی تعریف نشده است و در عین حال دکترین حقوقی تعاریف متهافتی را ارائه کرده‌اند. بعضی بر این نظرند که کشف جرم به مرحلهٔ اطلاع بر وقوع جرم، شناسایی متهم و جمع‌آوری ادلهٔ انتسابی به وی اطلاق می‌شود (جلال، ۱۹۹۱: ۷). برخی دیگر اشاره کرده‌اند: کشف جرم مجموعه اقداماتی است که پس از اطلاع از وقوع جرم برای حفظ آلات و ادوات، آثار و علائم، دلایل جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن یا تبانی متهم صورت می‌گیرد (مسعودی‌مقام، ۱۳۸۰: ۶۱). به نظر نویسندگان اقدامات «پس از اطلاع» از وقوع جرم، کشف جرم نیست. در تعاریف یادشده به تفاوت بین مراحل «کشف جرم»، «تعقیب متهم» و «تحقیقات مقدماتی» توجهی نشده است، زیرا این سه فرایند مطابق با مادهٔ ۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ سه مرحلهٔ متمایز تلقی می‌شوند. لذا همان‌طور که مادهٔ ۹۰ قانون ذکرشده تصریح کرده است، شناسایی متهم، جمع‌آوری ادلهٔ منتسب به وی، حفظ آثار، علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم، همگی از مجموعه اقداماتی است که

1. *Right of the accused.*

2. The Universal Declaration of Human Rights (1948). The International Covenant on Civil and Political Rights (1966). (ICCPR).

«تحقیقات مقدماتی» نامیده می‌شوند.^۱ بدین ترتیب ماحصل تتبع در مقرره‌های ۱، ۲۲، ۲۸ و ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این است که بگوییم، فرایند «کشف جرم» عبارت است از: مجموعه اقدامات قانونی مانند تحت‌نظر قرار دادن، تفتیش و بازرسی، انگشت‌نگاری، بررسی صحنه جرم و تفحص آثار و بقایای انسانی که از سوی ضابطان دادگستری در حیطه حقوق و تکالیف قانونی آن‌ها به‌منظور اطلاع از وقوع جرم انجام می‌شود.

ب) فرض برائت: ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند یک ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند پنجم ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر بر «فرض برائت»^۲ به‌منزله مهم‌ترین استاندارد تضمین حقوق متهم تصریح دارند. امروزه فرض برائت از حقوق اساسی افراد به شمار می‌رود و «فرض مذکور به صورت گسترده و به‌عنوان یک اصل مبنایی در عدالت کیفری مورد قبول واقع شده است» (Schwikkard, 1999: 15) و اهمیت آن تا جایی است که حق بر بی‌گناه بودن تا زمان اثبات جرم به‌منزله یک «مسیر طلایی» در فرایند دادرسی کیفری توصیف شده است (Hamilton, 2007: 252). فرض برائت به زبان حقوق بشری «حق متهم بر فرض برائت»^۳ نیز تعبیر شده است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹: ۲۲۹)، زیرا «فرض برائت»^۴ استمراربخشیدن به آثار حفظ کرامت انسانی و مصون‌بودن افراد جامعه از هرگونه تعرض است» (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۴۱). با توجه به اینکه مبنای حق آزادی اشخاص و حتی حقوق دفاعی متهم

۱. ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق (۱۳۷۸) «کشف جرم» را در تعریف تحقیقات مقدماتی گنجانده بود.
2. Presumption of Innocence.

۳. در مورد «اصل برائت» و «فرض برائت یا بی‌گناهی» این نکته خاطر نشان می‌شود که اصل برائت یکی از اصول عملیه است که مبنای آن را می‌بایست در اندیشه فقهی تحقیق کرد، اما قرائت «فرض برائت» را باید در اسناد و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشری جستجو کرد (فضائلی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). به هر حال باید توجه کرد «فرض برائت دایم‌دار شک نبوده و تنها بر گرد اتهام به ارتکاب یک جرم کیفری می‌گردد» (مدی، ۱۳۹۲: ۱۹۸). اما از جهت گستره این دو معنا می‌توان گفت اصل برائت در همه موارد حقوقی و کیفری، اما فرض برائت فقط در موارد آیین دادرسی کیفری تأثیرگذار است (بهمنی‌قاجار، ۱۳۸۷: ۱۶۹). بدین ترتیب فرض برائت اخص از اصل برائت است و غرض اصلی از مفهوم فرض بی‌گناهی، مصونیت‌بخشیدن به افراد عادی از تعرض سایرین به‌ویژه صاحبان قدرت و نمایندگان قوای عمومی است (شاملو، ۱۳۸۹: ۲۶۲). به هر روی باید توجه کرد تفاوت در «پیشینه» نمی‌تواند موجبی برای افتراق عبارات فرض برائت و اصل برائت باشد؛ درخصوص تفصیل تفاوت‌ها و تشابهات دو مورد پیش گفته ن.ک: قربانی، علی و موحدی، جعفر (۱۳۹۰). «اصل برائت در اندیشه فقهی و فرض بی‌گناهی در اندیشه اروپایی»، فصل نامه فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره بیست و ششم، ۱۲۷-۱۵۲.

۴. در حقوق داخلی ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل ۳۷ قانون اساسی و بند دوم ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ به اصل برائت توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند. ضمن آنکه در اینجا از منظر «ماهوی» افتراقی بین مفاهیم «اصل برائت» و «فرض برائت» مترتب نیست.

پذیرش فرض مزبور است، بدین ترتیب باید هرگونه تحدید یا سلب آزادی اشخاص مستند به «قانون» و فقط با رعایت ملاحظات فرض یادشده انجام گیرد. قانون گذار ما تضمینات مختلفی را در مسیر نظارت بر حق آزادی متهم در مرحله کشف جرم در نظر داشته است که در ذیل آن‌ها را تحلیل و ارزیابی خواهیم کرد.

۱. مصونیت حریم خصوصی ارتباطات گفتاری و نوشتاری متهم

مصون بودن ارتباطات گفتاری و نوشتاری یکی از جلوه‌های آزادی افراد و از آثار فرض برائت است که در قلمرو خصوصی افراد به شمار می‌رود. پاره‌ای از نویسندگان (نوبهار، ۱۳۸۷: ۲۵۲) بر این جنبه از حق بر خلوت تأکید می‌کنند. مصون بودن اسرار، مکاتبات، مکالمات و مخابرات شخصی افراد از جمله گزاره‌های حقوق بشری شناخته شده است. بند ب ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی و ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حافظان کرامت انسانی به حق «حمایت قانونی و قضایی در برابر تعرضات خودسرانه به حریم مکاتبات خصوصی» اشاره دارند. نکته آخر نشانگر آن است که باید در برابر هرگونه مداخله نسبت به مکاتبات خصوصی افراد حمایت‌های کافی وجود داشته باشد. ماده ۱۷ میثاق کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی هم به طور رسا برخورداری از حمایت قانونی در برابر مداخلات خودسرانه در مکاتبات افراد را حق قانونی آن‌ها دانسته است. این ماده مشعر بر آن است که: «۱. هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی، خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات شخصی^۱، تحت مداخله و مزاحمت خودسرانه (بدون مجوز) قرار گیرد و همچنین شرافت و آبروی او نباید مورد تعرض غیرقانونی واقع شود؛ ۲. هر کسی حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات یا تعرض از حمایت قانونی برخوردار شود». ماده ۱۷ بر خلاف ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر فهرستی حصری از مداخلات مجاز در حریم ارتباطات خصوصی اشخاص ارائه نداده است. با این حال کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۷ میثاق اعلام کرده است: «حمایت از حریم خصوصی ضرورتاً نسبی است» (General comment, 1988: 7) و منظور از اصطلاح «غیرقانونی» در ماده ذکر شده آن است که: «هیچ نوع مداخله در حریم خصوصی دیگران مجاز نیست مگر در موارد پیش‌بینی‌شده در قانون» (Crawshaw, 2009: 135).

حقوق داخلی ما با پذیرش تعهدات بین‌المللی حقوق بشری، تضمینات قانونی لازم برای رعایت حریم مراسلات و ارتباطات اشخاص را پیش‌بینی کرده است. در این زمینه بند هشتم

۱. شایان یادآوری است که لفظ مکاتبات (correspondence) در ماده ذکر شده به معنی نوشته‌هاست، اما «به حکم وحدت ملاک می‌توان گفت مواردی چون مکالمات تلفنی یا پیام‌های الکترونیکی را هم شامل می‌شود» (نوبهار، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» و اصل بیست و پنجم قانون اساسی به روشنی به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات افراد اشاره دارند. از آنجا که ممکن است از کشف جرم به مثابه دستاویزی برای کنشگران عدالت کیفری در نقض این حق اساسی سوء استفاده شود، نظام‌های حقوقی داخلی، باید نسبت به پیش بینی ضمانت اجرا و شناسایی مسئولیت دست‌اندرکاران عدالت کیفری در صورت ضبط و شنود غیرقانونی ارتباطات گفتاری و نوشتاری متهم در فرایند کشف جرم اقدام کنند. از همین جهت قانون مجازات اسلامی به منظور پذیرش موازین بین‌المللی مطابق با ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، برای هتک حرمت نسبت به مراسلات یا مخابرات یا مکاتبات تلفنی اشخاص از سوی «کارکنان و مأموران دولتی» ضمانت اجرای کیفری پیش بینی کرده است.^۱ اما قانون اخیر در خصوص نقض حریم خصوصی افراد از سوی اشخاص «عادی» مسکوت‌الحکم است. از این رو، به منظور پاسداری از آزادی‌های فردی، ضروری است اشخاصی که مستخدمان و مأموران دولتی هم نیستند در محدوده مداخله حقوق کیفری قرار گیرند، زیرا جرم‌انگاری برای اشخاص عادی در این حوزه با اصول مهم جرم‌انگاری همچون «اصل ضرر به دیگران»^۲ هماهنگ است. در این خصوص کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۷ میثاق بر این نظر است که حریم خصوصی افراد باید در برابر هر نوع مداخله خواه از طرف مقامات حکومتی و خواه از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی تضمین شود (Kumar das, 2016: 69).

قانون آیین دادرسی کیفری نیز با پذیرش معیارهای بین‌المللی پیش گفته، برای جلوگیری از نقض حریم ارتباطات نوشتاری افراد، احکامی را در جهت گستره جواز نقض آن‌ها پیش‌بینی کرده است. مواد ۱۴۶ و ۱۵۲ تا ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری اصل آزادی مکاتبات را به علت «مصلحت عمومی» در جهت تقدم حق جامعه بر حق خصوصی با محدودیت‌هایی مواجه کرده است. مضافاً اینکه افتراق بین «تکلیف» بازپرس در بررسی مراسلات پستی در حضور متهم یا وکیل او (ماده ۱۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری) و «حق» بازپرس در محروم کردن متهم از حق دفاعی او مبنی بر بررسی مدارک مؤثر در کشف جرم در حضور وکیل متهم یا آن شخص (ماده ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری) قابل توجیه نیست. لذا با توجه به وحدت ملاک ضروری است حق دفاعی متهم در مقرره اخیر مشروط به خواست بازپرس نشود. باید توجه کرد اختیارات مقام قضایی در مقرره‌های پیشین به وسیله پلیس (ضابطان)

۱. علاوه بر این، برابر با ماده ۱۶ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ مفتوح، بازرسی، توقیف، معدوم یا افشای مراسلات و نامه‌های اشخاص جرم‌انگاری شده است. مقرره ذکر شده مختص بعضی از مصادیق شمول عام ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است. از این رو کارکنان شرکت پست مشمول ماده ۱۶ قانون ذکر شده می‌شوند.

2. Harm to others.

در جرایم مشهود هم اعمال شدنی است. بدین توضیح که ضابطان دادگستری در جرایم غیرمشهود قبل از اخذ مجوز قضایی، حق کنترل نوشته‌ها و اوراق متهم را ندارند، اما عمومیت عبارت «تمام اقدامات لازم» در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دلالتی است بر جواز قانونی بازرسی مکاتبات متهم در جرایم مشهود از سوی ضابطان. با این همه چنین اقدامی از سوی ضابطان صرفاً با هدف ضروری «... حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی...» (ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری) قابلیت توجیه خواهد داشت. بنابراین، برای مثال کسی که پس از ارتکاب یکی از جرایم علیه امنیت کشور در حال سوزاندن اوراق و نوشته‌های مربوطه است، بررسی این اوراق از سوی ضابطان اقدامی لازم در برابر جرم مشهود به منظور حفظ ادله وقوع جرم به شمار می‌آید.

ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به منظور صیانت از حریم خصوصی اشخاص در زمینه ارتباطات «مخابراتی» از اصلی تبعیت کرده است که براساس آن نمی‌توان با واریسی ارتباطات بالا، به منظور کشف جرم علیه متهم به جمع‌آوری دلیل اقدام کرد، البته اصل مزبور یعنی اصل «ممنوعیت کنترل ارتباطات مخابراتی» در برخی موارد با استثنائاتی مواجه شده است. قانون یادشده در جهت پیشبرد جمع بین دو قاعده «حفظ حرمت ارتباطات مخابراتی» و «صیانت حقوق جامعه» کنترل مخابراتی را با محوریت امنیت در جرایم مهم جایز شمرده است. این موارد عبارت‌اند از: ۱. مواردی که به «امنیت داخلی و خارجی» کشور مربوط باشد؛ ۲. کنترل ارتباطات مخابراتی برای کشف^۱ «جرایم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری» لازم باشد. در همین خصوص نکته شایان یادآوری آن است که گزاره «موارد مربوط به امنیت داخلی و خارجی» تفسیر بردار و مبهم است.^۲ به نظر برخی (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۵۴) منظور، جرایم مندرج در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ است، اما به نظر نویسندگان جرایم محاربه (ماده ۲۷۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲)، افساد فی الارض (ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲) و بغی (ماده ۲۸۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲) جزو جرایم علیه امنیت تلقی می‌شوند. به نظر می‌رسد رویکرد اخیر با منع تعمیم استثنا موافق است، اما با اتخاذ یک تفسیر «غایتگرا» می‌توانیم قائل شویم علاوه بر موارد پیش گفته، مواد ۵۱۳ تا ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نیز در زمره

۱. ضروری است این کنترل با هدف «کشف جرایم» مذکور باشد؛ در غیر این صورت اگر برای تحصیل دلیل بیشتر به منظور محکومیت اشخاص دخیل در پرونده باشد وجاهت قانونی نخواهد داشت.

۲. ابهام در عبارت «... مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد...» به اندازه‌ای است که می‌توان ادعان کرد با توجه به واژه «موارد» و حساسیت در حراست از مصالح حکومت اسلامی منظور قانون گذار لزوماً «جرایم» مربوط به امنیت داخلی و خارجی نبوده است، به علاوه این نظر با واژه «افراد» در صدر ماده ۱۵۰ تقویت می‌شود.

جرایم علیه امنیت محسوب می‌شوند. به هر حال راه حل صواب آن است که برای جلوگیری از طرح سلیقه‌های متفاوت و ناصواب، قانون‌گذار گستره «موارد علیه امنیت داخلی و خارجی» را مشخص کند.

قبل از هرگونه دستور به کنترل مخابراتی افراد در جرایم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، لازم است کلیه شیوه‌های جرم‌یابی انجام شود و به منزله «آخرین راهکار» برای کشف جرم به کنترل مخابراتی توسل جست. این برداشت از عبارت «... لازم تشخیص داده شود...» (ماده ۱۵۰ ق.ا.د.ک.) استنباط می‌شود، اما چنین محدودیتی در موارد امنیت داخلی و خارجی موردنظر قانون‌گذار نبوده است، زیرا بینش تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری بر مبنای «حفظ نظام اسلامی» به منزله یکی از مصالح اجتماعی، به تجویز حداکثری کنترل ارتباطات مخابراتی در موارد امنیتی منجر شده است. به هر حال این گستره در همه جرایم یادشده مطابق با ماده ۱۵۰ با دو محدودیت روبه‌روست؛ بدین معنی که «دفعات» و «مدت» این کنترل باید از سوی بالاترین مقام قضایی استانی (رئیس کل دادگستری استان) تأیید شود.

تبصره دوم ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری به کنترل ارتباطات مخابراتی «محکومان» اشاره دارد. ضرورت کنترل ارتباطات اشخاصی که جرم آن‌ها «کشف» و حتی «اثبات» هم شده بر نگارندگان حاضر پوشیده است. با این حال با توجه به لزوم تطابق «موضوعی» تبصره با اصل ماده و نقش تبصره که در مقام بیان استثنائات ماده است باید قائل شویم کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان شامل همه شرایط مقرر در ماده ۱۵۰ است. بدین ترتیب کنترل مخابراتی محکومان نه در مطلق جرایم، بلکه فقط در موارد مربوط به امنیت داخلی و خارجی یا جرایم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، به شرط تشخیص دادگاه نخستین یا قاضی اجرای احکام و با موافقت رئیس کل دادگستری استان امکان‌پذیر است.

۲. مصونیت حریم منازل، اماکن و اشیا متهم

پذیرش فرض برائت یکی از مبانی اصل آزادی متهم و امنیت شخصی اوست. اصل مصونیت منازل، اماکن و اشیا متهم یکی از مظاهر آزادی فردی به شمار می‌آید تا جایی که بیان شده «مصونیت خانه و مسکن بخشی از حریم خصوصی و آن وجه تمایز آزادی و توتالیتراریسم است» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۵: ۵۶). ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی و ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر در جهت پشتیبانی از آزادی‌های فردی، مصونیت اقامتگاه و منزل را حمایت کرده‌اند. مطابق بند یک ماده ۱۷ میثاق، مداخله در حریم اقامتگاه اشخاص در صورتی که این

مداخله خودسرانه^۱ یا غیرقانونی باشد ممنوع است. ماده بیان شده موارد مشروع مداخله در حریم خصوصی اقامتگاه اشخاص را بیان نکرده است. بدین جهت کمیته حقوق بشر در مقام مرجع ناظر بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی در تفسیر ماده مذکور بیان داشته است: «قانونی که مستند مداخله ورود به حریم خصوصی قرار می‌گیرد باید با مقررات و اهداف میثاق هماهنگ باشد. بنابراین، باید در قانونی خاص، اوضاع و احوال دقیق و مشخصی که در آن مداخله در حریم خصوصی مجاز است به تفصیل بیان شود» (Crawshaw, 2009: 135). باید توجه کرد اصل مصونیت حریم منازل، اماکن و اشیا متهم یک اصل مطلق نیست، بلکه در موارد کاملاً استثنایی با هدف صیانت از حقوق جامعه در مقابل حقوق افراد تحت شرایطی در قوانین نقض می‌شود. تفتیش و بازرسی از جمله وظایف ضابطان دادگستری است که به‌منظور کشف آلات و ادوات ارتکاب جرم و دلایل آن در منزل، مخفیگاه یا در محلی که مورد ظن مقام قضایی است و قرائن قوی بر وجود آلات جرم در آن موجود باشد، به عمل می‌آید. از همین رو، به‌واسطه احتمال نقض امنیت مسکن و منزل اشخاص در نتیجه مداخله خودسرانه ضابطان نسبت به اقامتگاه افراد، اصل بیست و دوم قانون اساسی با امتثال به معیارهای حقوق بشری اصل را بر غیر قابل تعرض بودن مسکن افراد اعلام کرده و نقض آن را مستلزم تجویز صریح قانون‌گذار دانسته است.

در این زمینه قانون جدید آیین دادرسی کیفری، با پذیرش تلویحی اصل یادشده، تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیا را در مواردی مجاز دانسته است. یکی از این موارد، استثنا نقض مصونیت اماکن، منزل و اشیا افراد در نظام جرم مشهود است؛ به بیان بهتر به موجب بند ث ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری برای ضابطان دادگستری اختیارات گسترده در «جرایم مشهود» به منظور بازرسی منزل یا محل سکونای افراد پیش بینی شده است. «علت این وسعت اختیار، لزوم فوریت رسیدگی و فوق‌العاده بودن آیین دادرسی در جرم مشهود است» (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۷۲). البته دامنه اختیار ضابطان در خصوص «منزل یا محل سکونای افراد» با محدودیت‌هایی مواجه شده است، بدین معنی که مطابق با قسمت اخیر ماده ۴۴ وظیفه ضابطان در جرایم مشهود ایجاب می‌کند «تمام اقدامات» لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی او با دیگران انجام دهند. البته به نظر می‌رسد چنین اختیاری برای ضابطان مجوزی برای ورود به منزل یا محل سکونای افراد نیست مگر آنکه مطابق با بند ث ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری «شخص ساکن» بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکونای خود «درخواست» کند. بنابراین، برای مثال اگر آقا و خانمی در منزلی مرتکب روابط نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) شده باشند و دو نفر هم که ناظر وقوع جرم بوده‌اند بلافاصله شخص معینی

1. Arbitrary interference.

را به عنوان مرتکب معرفی کنند^۱ ضابطان در این خصوص حق ورود به منزل را بدون اجازه مقام قضایی ندارند، زیرا جرم واقع شده در «منزل یا محل سکنی» وقتی یکی از افراد موضوع جرم مشهود تلقی می‌شود که «شخص ساکن بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأموران را به منزل یا محل سکنی خود درخواست کند» (بند ث ماده ۴۵). همان طور که ملاحظه شد قانون آیین دادرسی کیفری به منظور عملیاتی کردن اصل ۲۲ قانون اساسی، اهمیت ویژه‌ای را برای «منزل و محل سکنی» به منزله بارزترین حریم خصوصی قائل شده است، تا جایی که مطابق با بند ث ماده ۴۵ اختیارات ضابطان در ورود به منزل یا محل سکنی مشروط بر «درخواست» شخص ساکن شده است.^۲

به حکم مواد ۵۵ و ۳۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها در خصوص «جرایم غیرمشهود» با اجازه «موردی» مقام قضایی است. ضمن آنکه ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری در رویکردی حقوق بشری، اعطای نمایندگی به ضابطان را برای تفتیش به صورت مطلق و نامشخص و بدون تعیین مشخصات نماینده و محل مورد بازرسی و مدت و دفعات بازرسی ممنوع اعلام کرده است. تشریفات شکلی تفتیش نیز به تفصیل طبق مفاد مواد ۵۸ و ۱۴۱ تا ۱۴۳ در قانون پیش گفته مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است.

۱. ن.ک: بند ب ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری.

۲. بعضی از حقوق دانان محترم (خالقی، ۱۳۹۴: ۷۵؛ شاکری و قاسمی، ۱۳۹۵: ۹۴) در مخالفت با این نظر معتقدند: «عموم عبارت «تمام اقدامات» در ماده ۴۴ که دلالتی قوی تر از اطلاق دارد این امکان را می‌دهد که نتیجه بگیریم که اختیارات ضابطان در جرایم مشهود به اندازه‌ای است که اگر برای حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی او با دیگران لازم باشد، حتی می‌توانند بدون اجازه مالک وارد منزل او شوند و دست به تفتیش محل بزنند...». به نظر می‌رسد برداشت اخیر علاوه بر اینکه خلاف منع تعمیم استثناست، مغایر با فلسفه وجودی بند ث ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز باشد، زیرا قانون گذار برای تحقق جرم مشهود در «منزل یا محل سکنی» ضوابط خاصی را توصیف کرده است. به عبارت دیگر، هنگامی جرم در منزل یا محل سکنی مصداقی برای جرم مشهود تلقی می‌شود که شخص ساکن بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأموران را «درخواست» کند. ضمن آنکه در ماده ۴۵ «مصادیق» جرم مشهود احصا و در ماده ۴۴ «اختیارات» ضابطان بر آن مشخص شده است، از این رو باید ابتدا تحقق مصداق «جرم مشهود» محرز، سپس اختیار ضابطان در آن بررسی شود. بنابراین، اگر مطابق با «اطلاق» بندهای الف تا ت ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری قائل شویم ورود مأموران به منزل یا محل سکنی افراد بدون رضایت آن‌ها جایز است، آنگاه باید به عبث بودن بند ث ماده مذکور رأی دهیم، زیرا بدون وجود بند اخیر می‌توان گفت ورود به منزل یا محل سکنی بدون رضایت صاحب خانه جایز است. برای اطلاع از تفسیر هم‌سو با نگارندگان ن.ک: نظریه شماره ۷/۹۳/۷۷۵ مورخ ۹۳/۴/۴ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۳. علاوه بر این ن.ک: بند هشتم ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳.

ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطه «ظن قوی» را برای قابل قبول بودن مداخله در حریم خصوصی (منازل یا اماکن) به کار گرفته، در حالی که کمیته حقوق بشر معیار ظن «معقول»^۱ را برای ورود به حریم خصوصی در نظر داشته است (Crawshaw, 2009: 136). در مقام مقایسه این دو معیار، می‌بایست متذکر شویم که «ظن» مطابق با قرائت فقهی آن حالت نفسانی بین قطع و شک را گویند، به عبارت بهتر احتمال ثبوت چیزی در حد پنجاه + یک تا کمتر از صد درصد است (قبله‌ای خوبی، ۱۳۸۷: ۱۷۱). ضمن آنکه مراد از «ظن قوی» ظن غالب است یعنی ظنی است که نزد متعارف مردم به منزله علم شناخته می‌شود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۵۳: ۱۹۱). از طرف دیگر، به نظر می‌رسد معیار «ظن معقول» درجه‌ای از دلیل قطعی است که در ردیف کمتر از «دلیل معقول» و بیشتر از «شک» قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، ظن معقول اندازه‌ای از علم است که موجب می‌شود انسان محتاط و متعارف در شرایط مشابه، به فعالیت جزایی اقدام کند (Rolando, et al., 2016: 81). به این ترتیب می‌توان گفت در هر دو معیار نام‌برده درجه علم نسبت به واقعیت بیرونی یکسان و در هر کدام از معیار «نوعی» تبعیت شده است، نه «شخصی». علاوه بر این، قرائن و امارات منتهی به ظن باید «عینی» باشند، زیرا امارات، قرائن خارجی اند که موجب حصول ظن می‌شوند.^۲ لذا منطقی است بین مظنون که مورد ظن ذهنی یا غریزی است با مظنونی که مورد ظن مبتنی بر قرائن قوی عینی و خارجی است تفاوت قائل شویم.

شایان یادآوری است که ماده ۳۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ به اصل تعرض نکردن به «مسکن» و «حریم خصوصی» اشخاص اشاره کرده است. هر چند که لازمه حمایت از آزادی و استقلال افراد و احترام به حریم خصوصی آن‌ها ایجاب می‌کند مفهوم و مصداق «حریم خصوصی» به دقت تبیین شود، اما در قانون مذکور و قوانین دیگر تعریفی از آن به عمل نیامده است. با وجود این، تبصره ماده ۴۵ قانون پیش‌گفته مفهوم

1. Reasonable suspicion.

۲. برای نظر موافق با نگارندگان، ن.ک: نظریه مشورتی شماره ۹۳/۸/۱۹-۷/۹۳/۱۹۶۳ اداره حقوقی.
 ۳. مطابق با این ماده: «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». شایان یادآوری است برای اولین بار در نظام حقوقی ایران به موجب این ماده از عبارت «حریم خصوصی» استفاده شده است. یکی از ایرادات قانون نگاری (اطناب) در این ماده ذکر عبارت عام (حریم خصوصی) پس از موارد خاص (مسکن، مال، حیثیت و جان) است.

۴. این تبصره بیان کرده است: «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیستند». مشابه همین موضوع در خصوص مشاعات آپارتمان‌ها و هتل‌ها در ماده ۲ پیش‌نویس لایحه حمایت از حریم خصوصی اتخاذ شده بود. مضافاً اینکه طبق ماده ۲ قانون تملک آپارتمان‌ها قسمت‌های مشترک یا مشاع قسمت‌هایی از

حریم خصوصی را با معیار «در معرض دید عموم» شناسایی کرده است. بنابراین، به حکم تبصره مذکور قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و وسائل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست. در شکل‌گیری مبانی مرز حوزه‌های عمومی از خصوصی عوامل متعددی همچون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی مذهبی نقش به‌سزایی دارند. بدین ترتیب شناسایی اماکن عمومی از خصوصی براساس ضابطه «بدون تجسس در معرض دید عموم قرار گرفتن» (تبصره ماده ۵ قانون مذکور) ناشی از یک آموزه فقهی است که براساس آن ساکنان جامعه اسلامی مجاز نیستند به طور آشکار (در معرض دید دیگران) مرتکب گناه شوند.^۱

۳. مصونیت متهم از تحت نظر قرار گرفتن^۲ خودسرانه

اسناد بین‌المللی در موارد متعددی از جمله بند الف ماده ۱۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی» بر حق آزادی اشخاص تأکید کرده‌اند. بنابراین، باید پیش از تحت نظر قرار دادن متهم دلایل متقن بر ارتکاب جرم وجود داشته باشد و نمی‌توان ابتدا فرد را تحت نظر قرار داد، سپس به جمع‌آوری ادله اقدام کرد. به عبارت دیگر، «نمی‌توان از متهم به‌عنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری ادله استفاده نمود» (فرجی‌ها و مقدسی، ۱۳۹۲: ۶۰). گزاره نگفته‌ایم اگر قائل شویم تحت نظر قرار دادن متهم قبل از صدور حکم محکومیت قطعی با فرضیه بی‌گناهی متهم و اصول پیشرفته دادرسی مغایرت دارد (خزایی، ۱۳۷۷: ۴۷). به همین دلیل در فرایند دادرسی کیفری تحت نظر قرار دادن متهم به‌منزله یک اقدام «استثنایی» بر فرض بی‌گناهی عنوان می‌شود؛ بدین‌رو قانون آیین دادرسی کیفری برای ضابطان دادگستری، حق تحت نظر قرار دادن متهم را در شرایط خاص که پاسخ فوری ایجاب می‌کند به طریق فوق‌العاده و بدون تشریفات به رسمیت شناخته است. البته قانون مذکور به منظور ایجاد توازن بین «نظم عمومی و آزادی فردی» تکالیفی را هم برای کنشگران عرصه کشف جرم در نظر گرفته است، زیرا در فرایند اخیر پاسخ‌آنی مقامات غیرقضایی موجبی است برای احتمال هرچه بیشتر نقض حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی، بدین ترتیب برای تقویت و

ساختمان است که حق استفاده از آن منحصر به یک یا چند آپارتمان نبوده است و به همه مالکان به نسبت اختصاصی آن‌ها تعلق می‌گیرد. به طور کلی قسمت‌هایی از ساختمان است که برای استفاده اختصاصی تشخیص داده نشده است.

۱. برای اطلاع بیشتر ن.ک: کدیور، محسن (۱۳۸۲). «پیش‌درآمدی بر بحث عمومی و خصوصی در فرهنگ اسلامی»، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۴۶.

2. Garde á Vue.

تضمین حقوق متهمان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی حق^۱ بر تحت نظر قراردادن با محدودیت‌هایی مواجه شده است.

قانون آیین دادرسی کیفری با اهتمام ویژه به ملاحظات حقوق بشری، محدودیت‌های شاخصی را برای ضابطان در این خصوص مطابق با ذیل ماده ۴۴ قانون مذکور در نظر گرفته است. مطابق با ماده مزبور و ذیل ماده ۴۶ همان قانون، حق ضابطان بر تحت نظر قراردادن متهم با نهادن سه قید ایجابی تحدید شده است. اول وجود قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم؛ دوم: ارتکاب جرم مشهود از سوی متهم^۲ و سوم محدودیت زمان تحت نظر به حداکثر ۲۴ ساعت. تجاوز از حدود یادشده مسئولیت کیفری ضابطان دادگستری را مطابق با ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (توقیف غیرقانونی) به دنبال خواهد داشت. برای مثال، اگر ضابطان بلافاصله پس از وقوع جرم توهین^۳ در محل حاضر شوند، اما قرائن قوی دال بر ارتکاب این جرم را احراز نکنند، هرگونه اقدام آن‌ها مبنی بر تحدید آزادی افراد اعم از جلب یا تحت نظر قراردادن جرم قلمداد می‌شود. با آنکه مظنون تحت نظر بدو^۴ حق اعتراض به اقدام صورت گرفته از ناحیه ضابطان را ندارد، اما پیرو حق دادخواهی کیفری، حق جبران خسارت، برای «متهم^۴»

۱. نکته شایان یادآوری آن است که مطابق با قسمت اخیر ماده ۴۶ ق.ا.د.ک. ضابطان «می‌توانند» متهم را بازداشت کنند. تحت نظر قراردادن متهم به منزله یک «حق» برای پلیس (ضابطان) بدان جهت است که «فلسفه اعطای اختیار به پلیس در جرایم مشهود عدم دسترسی به مقام قضایی برای کسب تکلیف است» (شاکری و قاسمی، ۱۳۹۵: ۸۶)، لذا اگر ضابطان طی این واکنش فوری «ملزم» به تحت نظر قراردادن متهم می‌شدند، زمینه‌های هرچه بیشتر نقض آزادی‌های فردی فراهم می‌شد، اما در مقابل مطابق با ماده مرقوم ضابطان در جرایم مشهود «مکلف» هستند «تمام اقدامات لازم» را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی، به عمل آورند. وصف الزامی بودن چنین امری به دلایلی مانند حفظ نظم و امنیت جامعه و عدم حدوث فاصله زمانی بین اقدامات پلیس و اطلاع دادستان قابل فهم و توجیه است.
۲. حق ضابطان در همه «انواع جرایم مشهود» با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. درخصوص جرایم منافی عفت (ماده ۱۰۲) تکلیف تعقیب و تحقیق حتی در موارد مشهود بر عهده مقام قضایی است و چون «تعقیب» متهم مستلزم تحت نظر قراردادن اوست، لذا موارد تحت نظر نیز در این مورد باید از سوی «مقام قضایی» انجام شود. همچنین، مطابق تبصره دوم ماده ۲۸۵ ق.ا.د.ک. درخصوص کلیه جرایم افراد زیر ۱۸ سال (طفل یا نوجوان) ضابطان حق تحت نظر قراردادن متهم را ندارند. مقرر اخیر گام مؤثری جهت رعایت اصول دادرسی منصفانه برای کودکان و نوجوانان است. گذشته از این مطابق با ماده ۳۱ ق.ا.د.ک. پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به منزله یک تکلیف قانونی پیش‌بینی شده است.
۳. بعضی از حقوق دانان (شاکری و قاسمی، ۱۳۹۵: ۹۸) به درستی بر این نظرند که اطلاق قانون آیین دادرسی کیفری در ذکر جرایم مشهود و تفکیک نکردن بین انواع جرایم صرف نظر از شدت و اهمیت جرم حقوق و آزادی افراد را در معرض تهدید قرار می‌دهد.
۴. ضرورت پیش‌بینی جبران خسارت از «محکومان بی‌گناه» در قانون آیین دادرسی کیفری جدید ضروری به نظر می‌رسد و امید است پس از طی مدت اجرای آزمایشی قانون مذکور این نقیصه برطرف شود. در این مورد ن.ک: اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مواد ۱۳، ۱۶۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و بند ششم ماده

بی‌گناه تضمین شده است که ناشی از استمرار آثار فرض براءت است. از این رو قانون آیین دادرسی کیفری جدید به منظور هماهنگ شدن با موازین حقوق بشری^۱ در ماده ۲۵۵ همین قانون جبران خسارت مادی و معنوی متهمان بی‌گناه را پذیرفته است. بعضی (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳: ۲۴۴) بر این نظرند که شمول ماده مزبور مظنون تحت نظر را دربر نمی‌گیرد، زیرا ماده مذکور فقط شامل کسانی است که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی «بازداشت» شده‌اند، اما به نظر ما مقرون به صحت است که با اتخاذ یک رویکرد موسع تفسیری - که مورد طبع قوانین شکلی است - واژه «بازداشت» را به مرحله «تحت نظر» توسعه مفهومی دهیم. نتیجه تفسیر یادشده قطعاً به نفع متهم خواهد بود، لذا در رد نظر اخیر و تأیید رأی دیگر (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۵۸) می‌توان گفت فرد تحت نظر در مرحله کشف جرم می‌تواند از حق یادشده استفاده کند.

اما نکته درخور توجه دیگر در خصوص عبارت «قرائن و امارات قوی^۲» در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری است. همان گونه که می‌دانیم اماره چیزی است که به طور «ظنی» کشف از حکم یا موضوع باشد (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۷۴؛ جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۳: ۶۰۲)، اما مقصود از «ظن» مطلق ظن نیست، بلکه در مقررۀ اخیر قوی‌ترین مرحله ظن یعنی «غالب الظن^۳» مدنظر است، زیرا گزاره «قرائن و امارات» به قید «قوی» مقید شده است، بدین‌وصف تحت نظر قراردادن اشخاص برحسب «ظن ساده» به دلیل جلوگیری از نقض آزادی‌های فردی ممنوع است. علاوه بر این، «احتمال دارد منظور از قوی بودن، بالا بودن میزان قدرت اقماعی ظن به طور نوعی باشد، نه به طور شخصی» (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۴)، زیرا جدایی قلمرو قواعد حقوقی و اخلاقی ایجاب می‌کند که ابهامات در قلمرو قواعد حقوقی به نفع ضابطه نوعی تفسیر شود. در این خصوص می‌توان بدون تردید قبول کرد که تحت نظر قراردادن متهم در وضعیت جرم مشهود واقعی یا موضوعی (جرم در مرئی و منظر ضابط دادگستری واقع شود) با پشتوانۀ امارات قوی محقق شده است، اما در سایر موارد یعنی جرایم مشهود فرضی یا حکمی باید وقوع جرم مشهود بر مبنای «قرائن و امارات قوی» از سوی ضابطان مشخص شود. مبرهن است احراز چنین امری در عمل به دلیل مشخص نبودن مفهوم و مصادیق «قرائن و امارات قوی» با

۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۱. بند پنجم ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

۲. در ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری عبارت «... حسب قرائن و امارات ظن قوی...» آمده، اما در ماده ۴۴

همین قانون گزاره «... قرائن و امارات قوی ...» به کار رفته است. لازم است در تفاوت بین «ظن» و «اماره»

متذکر شویم که ظن حالت نفسانی است که برای انسان حاصل و اماره قرائن خارجی است که موجب حصول

این ظن می‌شود که اگر معتبر باشد شریعت دارد والا مشروع نیست. به عبارت دیگر، ظن نتیجه وجود امارات

مختلف و معتبر است و گاهی این ظن از طریق امارات غیرمعتبر حاصل می‌شود.

۳. یعنی احتمال خلاف آن بسیار ضعیف است.

اشکالاتی مواجه خواهد شد، لذا لازم است برای جلوگیری از برداشتهای شخصی و سلیقه‌ای ضابطان دادگستری و به منظور ممانعت از تهدیدات احتمالی نسبت به آزادی‌های مشروع شهروندان، عبارت «قرائن و امارات قوی» در قانون آیین دادرسی کیفری تعریف و مصادیق آن احصا شود. البته قانون یادشده با قراردادن عبارت «بلافاصله^۱ پس از وقوع جرم» در بندهای الف تا ج ماده ۴۵ شرطی را برای تجویز قانونی اقدامات ضابطان قرار داده است. به موجب شرط پیش گفته، حضور سریع ضابطان در محل وقوع جرم موجب می‌شود با سهولت بیشتری به قرائن و امارت قوی دال بر ارتکاب جرم دست یابند. ضمن آنکه مأمور کشف جرم مادام که فاصله نزدیک به زمان وقوع جرم را احراز نکرده است، اقدام وی به تحت نظر قراردادن متهم غیرقانونی خواهد بود.

حقوق دفاعی متهم^۲ در فرایند کشف جرم و ضمانت اجراهای ناظر بر آن

یکی از آثار فرض برائت حقوق دفاعی متهم است. این حقوق در نظامات دادرسی که حق‌ها و آزادی‌های فردی بر مبنای رعایت اصول اخلاقی و انصاف پایه‌گذاری شده است، جایگاه ویژه‌ای دارد. از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تضمین حق دفاع متهم در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند سه ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده و رعایت موازین بین‌المللی از سوی کشورهایایی که به آن ملحق شده‌اند الزامی است. از این رو، در حقوق داخلی باید راهکارهای تضمین حقوق دفاعی متهم پیش‌بینی شود (گلدوست‌جویباری، ۱۳۸۸: ۶۵۰). با یک بیان ساده در تعریف حقوق دفاعی می‌توان گفت: مجموعه تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند در سراسر یک رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ یک تصمیم عادلانه صورت گرفته است (آشوری، ۱۳۷۲: ۴۸). لذا متهم دارای حقوقی است که در جریان دادرسی به‌منظور تدارک دفاع مؤثر برای خود از آن بهره‌مند می‌شود، مانند حق داشتن وکیل، حق سکوت و حق اخذ مهلت مناسب به‌منظور تسهیل دفاع. حقوق مذکور از زمان گذشته تاکنون روند رو به گسترشی را طی کرده و با تغییرات چشمگیری روبه‌رو بوده‌اند (Stetsovski, 1982: 28, Starmer & Christou, 2005: 1309). قانون جدید آیین دادرسی کیفری کشور ما در جهت تضمین حقوق مزبور گامی مؤثر برداشته است. در ادامه حقوق یادشده را در فرایند کشف جرم

۱. شایان یادآوری است واژه «بلافاصله» مفهومی است که مصادیق آن بر حسب عرف مکانی و شرایط اوضاع و احوال و حوزه جغرافیایی متغیر است و ممکن است عملاً در بعضی از مناطق حداقل زمان ممکن تا مکان وقوع جرم چند ساعت به طول انجامد.

2. The right of defence of accused.

تحلیل و ارزیابی خواهیم کرد.

۱. حق داشتن وکیل^۱

وکیل مدافع و حق دفاع متهم یکی دیگر از آثار فرض براءت است. حق داشتن وکیل و اعلام آن از لحظه کشف جرم از مهم ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم محسوب می شود، زیرا حضور وکیل در مراحل ابتدایی تشکیل پرونده سبب می شود پروسه دادرسی کیفری به طور شفاف در جهت اصول دادرسی منصفانه برای حفظ هرچه بیشتر حقوق متهم شکل گیرد (Ulmer, 2015: 90; Casenote Legal Briefs, 2009: 79) و از رفتارهای غیرانسانی مانند شکنجه متهم جلوگیری به عمل آید. از آنجا که انجام کشف جرم ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با حقوق و آزادی های فردی دارد ضروری است که اولاً به منظور حفظ حقوق شهروندی و رعایت اصل تساوی سلاح ها، وکیل، حضور مؤثر و محسوسی داشته باشد و از سوی دیگر پلیسی آگاه و آموزش دیده عهده دار چنین مسئولیت های حساسی شود «این نیاز به ویژه در عصر کنونی به دلیل عدم حضور پلیس قضایی بیشتر در ایران احساس می شود، زیرا دیده شده است که به دلیل عدم تسلط ضابطان دادگستری بر موازین حقوقی، بسیاری از اقدامات و تدابیر آنها مطابق قوانین موجود نیست» (کوشکی، ۱۳۹۲: ۴۹۶). بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی ملل متحد بر دفاع متهم از خود و حق داشتن وکیل از نخستین مرحله تأکید کرده اند. ماده ۱۴ میثاق به طور صریح حق بر دفاع متهم را در قالب حق بر دفاع از سوی خود متهم، حق بر داشتن وکیل مدافع اختیاری و تکلیف مقامات در مطلع کردن متهم از حق بر انتخاب وکیل پیش بینی کرده است.

قانون جدید آیین دادرسی کیفری برای اولین بار در نظام حقوقی ایران برای متهم حق داشتن وکیل را مطابق با ماده ۴۸ قانون مزبور در فرایند کشف جرم پیش بینی کرد. یکی از ایرادات وارد بر ماده اخیر نظم ساختاری به منزله یکی از بایسته های قانون نگاری صحیح است. در ماده ذکر شده این نظم به دلیل مطابقت نداشتن موضوع تبصره با موضوع اصل ماده رعایت نشده است. تبصره ماده ۴۸ در خصوص محدودیت های مداخله وکیل در مرحله «تحقیقات مقدماتی» است در حالی که موضوع ماده در خصوص حق برخورداری متهم از وکیل در فرایند «شروع تحت نظر» است. جایگاه تبصره مذکور در ذیل ماده ۱۹۰ صحیح به نظر می رسد. بدین ترتیب ماده ۴۸ مشمول هیچ کدام از محدودیت های ناظر بر تبصره مذکور نمی شود. نکته دیگر آن است که در مقررۀ پیش گفته زمان دخالت وکیل «با الهام از حقوق فرانسه بی درنگ

1. Right to counsel.

پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن است» (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۷). با این حال ماده مزبور دو شرط ایجابی را برای برخورداری متهم از وکیل در این مرحله در نظر گرفته است: اول، در حد «ملاقات» با متهم به مدت یک ساعت باشد؛ دوم، فقط با «ملاحظات کتبی» وکیل باشد. در خصوص شرط اول سؤال این است که آیا وکیل متهم یا متهم حق دسترسی و مطالعه پرونده را دارند یا اینکه حق آنها به صرف «ملاقات» با هم محدود شده است. از یک سو می‌توان گفت «بر پایه ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری تمام اقدامات ضابطان در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است. بدین سان با توجه به مواد ۱۹۰ و ۱۹۱ (مطالعه پرونده کیفری توسط متهم) قانون فوق شخص تحت نظر حقوق مورد اشاره را دارد» (همان: ۱۱۹). بدین ترتیب در نظر داشتن حق «ملاقات» با وکیل متهم به معنای ممنوعیت وی از مطالعه پرونده نیست، اما از سوی دیگر به نظر می‌رسد ماده ۶۱ در مقام بیان یک اصل کلی درصدد تبیین قواعد حاکم بر تکالیف ضابطان است، یعنی اصل تکالیف ضابطان در فصل دوم مشخص و ترتیبات حاکم بر آن مانند اصل سرعت (ماده ۹۴) در مواد ۸۹ تا ۲۱۶ پیش‌بینی شده است. از این رو حق متهم و وکیل او به نص ماده ۴۸ فقط «ملاقات» است و تکلیف ضابطان در این مورد تسهیل شرایط برای تحقق حق مذکور است. به نظر ما از میان این دو رویکرد تفسیر اول مقرون به صواب است، زیرا مقتضای اصول تفسیری قانون آیین دادرسی کیفری آن است که محدودیت‌های حقوق متهم به طور آشکار مشخص شود، لذا با شک در این موارد می‌بایست رأی به نفع اصل حاکم بر رعایت حقوق دفاعی متهم دهیم. بنابراین، می‌توانیم قائل شویم ماده ۴۸ در مقام بیان انحصار حق متهم و وکیل او به صرف ملاقات نبوده است و حق دسترسی به پرونده تابع اصل عدم ممنوعیت است. علاوه بر این، باید توجه کرد که مبنای محدودیت یک ساعته ملاقات با متهم با الهام از آیین دادرسی کیفری فرانسه^۱ و براساس حفاظت از منافع و نظم عمومی و جلوگیری از تبانی احتمالی در جهت برقراری تعادل بین منافع فرد و جامعه شکل گرفته است.

مطلب دیگر آن است که ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری وکیل متهم را به رعایت «محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات» ملزم کرده است. البته می‌دانیم مفهوم محرمانه بودن لازمه طبیعی تحقیقات مقدماتی است. در حوزه تقنین برخلاف قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۹۱ تعریف مشخص

۱. ماده ۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مصوب ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ بیان کرده است: «وکیل تعیینی می‌تواند در شرایطی که محرمانه بودن مذاکرات آنها تضمین می‌گردد، با شخص تحت نظر ملاقات نماید. مدت ملاقات نمی‌تواند از سی دقیقه تجاوز نماید». کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیز بر این نظر است که برخی از محدودیت‌ها در حق مشورت با وکیل به‌منظور حذف خطر تبانی مجاز است (Krocher, 1982); به نقل از آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۱۵).

و روشنی را از جنبه مجرمانه بودن ارائه داده است. از این رو وکیل ملزم است از افشاکردن اقداماتی از قبیل آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم خودداری کند. ملاحظه شد که قانون‌گذار در قانون جدید، رویکرد حق‌مدارانه خود را حتی از الزامات برخاسته از اصل سی و پنجم قانون اساسی که حق بر داشتن وکیل را ظاهراً منحصر^۱ به مرحله دادرسی می‌داند نیز فراتر کرده و در نخستین مرحله دادرسی کیفری، یعنی کشف جرم و تحت نظر قرارگرفتن متهم نیز، وی را محق داشتن وکیل دانسته است.

نکته پایانی و مهم در این بحث آن است که محروم کردن متهم از حق ملاقات با وکیلش از سوی ضابطان ضمانت اجرا ندارد و ضابطان را با محکومیت انفصال موقت از خدمات دولتی موضوع ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری روبه‌رو نمی‌کند. بنابراین، فقدان ماده ۴۸ در شمار موارد مندرج در ماده ۶۳ و عدم جرم انگاری چنین رفتاری توجیهی ندارد و زمینه‌های لطمه به حقوق اساسی افراد را فراهم می‌کند.^۲

۲. حق تفهیم فوری نوع و علت اتهام

یکی دیگر از آثار فرض براءت که از تضمینات حقوق دفاعی متهم در آغاز فرایند کیفری به شمار می‌آید، حق اطلاع دقیق از اتهام و دلایل آن است. اثر مهم این حق در آماده‌شدن متهم برای تدارک دفاع اصولی از خود در دفع اتهام است. بدین ترتیب «با تفهیم اتهام کسی که وضعیت او در دست بررسی است، دیگر مظنون قلمداد نمی‌شود، بلکه متهمی است که می‌تواند از سایر حقوق دفاعی خود مانند حق سکوت و معاضدت وکیل مدافع بهره‌مند شود» (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۶۰). در تعریفی از تفهیم اتهام^۳ آمده است: «اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه از سوی بازپرس به شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم، برای او قابل درک باشد»

۱. قول به انحصار اصل ۳۵ قانون اساسی به مرحله «دادگاه» در صورتی موجه است که به یک رویکرد تفسیری متن‌گرای معتقد باشیم. اما در رویکرد «هدف‌گرا» می‌توان قائل شد که هدف قانون اساسی به‌منزله سند حقوق بشر ملی تضمین آزادی‌های بنیادین است، لذا حق بر داشتن وکیل در همه مراحل پنج‌گانه کیفری قابل شناسایی است.

۲. باید توجه کرد در این مورد نمی‌توان به ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری که به مجازات مندرج در ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ احاله کرده است - استناد کرد، زیرا مجازات پیش‌بینی‌شده در این ماده به علت تخلف از «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» است. از این رو، موضوع بند ۳ همین قانون در خصوص تکلیف «محاکم و دادرها» در رعایت فرصت از استفاده از وکیل است و تکلیفی بر دوش ضابطان در مرحله پلیسی در این رابطه نیست. از طرف دیگر، حتی نمی‌توان به ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) استناد کرد، زیرا حق برخورداری از وکیل در اصل ۳۵ قانون اساسی در مرحله «دادگاه» تضمین شده است.

1. Causing to understand.

(آشوری، ۱۳۸۸: ۱۳۵). در اینجا حق تفهیم اتهام بدون ذکر دلیل اتهام، آن هم در فرایند تحقیقات مقدماتی تعریف شده است. آشکار است که در معنای مضیق و خاص کلمه، ضرورت تفهیم اتهام به متهم، در مرحله تحقیق از سوی بازپرس رخ می‌نمایند (مواد ۱۹۵ و ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری). منتهی دقت‌نظر در قانون اساسی، اسناد بین‌المللی و قانون آیین دادرسی کیفری گویای آن است که ضابطان دادگستری نیز در مرحله کشف جرم به تفهیم اتهام به متهم مکلف‌اند. در حقوق داخلی، اصل سی و دوم قانون اساسی مؤید این معناست.^۱ در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، بند دوم ماده ۹ و بند الف شق ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی ملل متحد در بیان حداقل تضمین‌های متهم به این مهم اشاره دارند. کمیته حقوق بشر در قضیه‌ای اظهار کرده است که تعلق در تفهیم اتهام به متهمی که بیست و یک روز در بازداشت به سر برده و آزاد شده است، نقض بند دوم ماده ۹ میثاق به شمار می‌آید.^۲ ضمن آنکه این کمیته در خصوص سودان دو ضابطه را برای تفهیم اتهام تدوین کرده است؛ نخست، متهم از مقرر قانونی و ماهیت شکایتی که علیه وی تنظیم شده است آگاه شود؛ دوم، ماده قانونی که فرد مظنون به اتهام آن دستگیر شده است بایستی دربرگیرنده تعریفی روشن و مشخص از عمل مجرمانه باشد (آشوری و بهمنی‌قاجار، ۱۳۸۷: ۹). نکته اخیر نشانگر آن است که تفهیم اتهام با اصل قانونی بودن جرایم در ارتباط است، زیرا تفهیم اتهام یعنی آگاهانیدن متهم نسبت به اتهامی که در قانون به طور شفاف و بدون ابهام برای آن جرم‌انگاری صورت گرفته است.

در مقررات آیین دادرسی کیفری حق آگاهی به اتهام و دلایل آن به طور صریح در مواد ۶ و ۴۶ قانون دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است. ماده ۴۶ ناظر به تکلیف کنشگران عرصه کشف جرم در جرایم مشهود است، اما در خصوص جرایم غیرمشهود ضابطان مطابق با ماده ۶ مواجه با تکلیف آگاهانیدن اتهام و دلایل آن هستند، زیرا ماده اخیر حق اطلاع متهم از اتهام خود و ادله آن را محدود به فرایند خاصی از دادرسی یا مقام خاصی نکرده است.^۳ از این رو ضابطان بر پایه مواد ۶ و ۴۶ به تفهیم اتهام و ادله آن به متهم مکلف شده‌اند؛ اما در صورت تخلف با ضمانت اجرای مقرر در ماده ۶۱ این قانون مواجه نخواهند شد. بدیهی است با توجه به ضوابط علمی جرم‌انگاری، پیش‌بینی نکردن کیفر در این خصوص در قیاس با سایر مقرره‌های مندرج در ماده

۲. اصل نام‌برده منحصر به متهمان بازداشت‌شده است و «چون ضرورتی بین متهم بازداشتی و سایرین وجود ندارد،

لذا ضرورت دارد در اصلاحات بعدی قانون اساسی این دوگانگی مرتفع شود» (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

۳. *Bakhrudin Kurbonov v. Tajikistan (1208/2003)*, 16 March 2006, UN Doc CCPR/C/86/D/1208/2003.

۴. ضمن آنکه بر مبنای ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان مکلف‌اند «علت تحت‌نظر» را در صورت مجلس قید کنند.

۶۳ سنجیده نیست.^۱

تفهیم در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری بدان معناست که «بیان اتهام با جزئیات و دلایل آن به گونه‌ای صورت بگیرد که متهم آن را کاملاً درک کند» (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۹: ۳۱۱). بنابراین، برای مثال اگر شخصی به منزله «تظاهر به عمل حرام در علن» موضوع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) تحت تعقیب است، ضابط دادگستری باید به توصیف صرف این مفهوم مبهم و گنگ بسنده نکند؛ بلکه می‌بایست علاوه بر اوصاف قانونی، اطلاعاتی در خصوص موقعیت زمانی، مکانی و رفتار متهم (فعل یا ترک فعل) بیان و دلایل ایراد اتهام را برای وی بازگو کند، اما «لازم نیست خصیصه جزایی عمل توصیف شود، زیرا تمیز عناوین مجرمانه برای مردم عادی و بعضاً برای حقوق‌دانان نیز امر مشکلی است» (کریمی و رحیمی‌پور، ۱۳۸۸: ۳۱۲). در همین زمینه متذکر می‌شویم برخلاف مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ایران، در بند دوم ماده ۹ میثاق واژه «تفصیل» به کار گرفته شده است. کمیته حقوق بشر در قضیه‌ای^۲ که در آن فردی صرفاً براساس «تدابیر امنیتی» دستگیر شده بود، ابراز کرده است که «تفصیل» کافی که حاکی از اساس شکایت علیه او باشد به فرد مظنون ارائه نشده است (Svensson, McCarthy, 1998: 741). اگر متهم فارسی نداند یا ناشنوا باشد، ضابطان مکلف‌اند مطابق با مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری برای وی شرایط حضور مترجم یا فرد مورد وثوقی را که توانایی بیان مقصود را دارد فراهم کنند. هرچند موازین اخیر این تکلیف را برای «بازپرس» در نظر داشته‌اند، اما با استمداد از ماده ۶۱ همان قانون که اظهار داشته است: «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است» می‌توان تکلیف قانونی ضابطان در تفهیم اتهام را در حوزه این گونه موارد نیز جاری دانست. از شق ششم بند سوم ماده ۱۴ میثاق مدنی - سیاسی نیز استفاده رایگان از مترجم مستفاد می‌شود. لذا لازم است اسناد تنظیم شده به زبانی ناآشنا برای متهم به هزینه دولت ترجمه شوند.

۳. حق سکوت^۳

۱. شایان یادآوری است اگر ضابطان مطابق با اصل ۳۲ قانون اساسی در خصوص متهمان «بازداشت» شده، به منظور تفهیم اتهام و دلایل آن مرتکب جرم شوند به مجازات شدید مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) محکوم خواهند شد، این در حالی است که اگر متهم به هر دلیلی بازداشت نشده باشد و ضابطان در خصوص تفهیم اتهام و دلایل آن از وظیفه خود تخطی کنند ضمانت اجرایی ندارند. این سیاست کیفری افتراقی دشواریاب است و توجیه‌پذیر نیست.

2. Communication No.43/1979, submitted on behalf of A. Drescher Caldas v. Uruguay (views adopted on 21 July 1983), GAOR, A/38/40, Report HRC.

1. Right of silence.

حق سکوت از جمله آثار فرض برائت و حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود که به استناد آن متهم می‌تواند از پاسخ‌دادن به سؤالات ضابطان در فرایند کشف جرم امتناع کند، زیرا «نخستین اثر مستقیم فرض بی‌گناهی نسبت به متهم حق سکوت وی است. او ادعایی مطرح نکرده است تا ناگزیر به اثبات باشد» (فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۲۷)، بنابراین، بار اثبات اتهام بر دوش مدعی است. در واقع هنگامی که دفاع را به مثابه حقی برای متهم در نظر می‌گیریم، باید اختیار وی در اسقاط حق خویش و سکوت وی در برابر اتهامات انتسابی را بپذیریم؛ به ویژه آنکه ناآگاهی متهم از قوانین و مقررات و بیان مطالبی برخلاف آن ضوابط چه بسا علیه وی قابلیت استناد یابد. بدین ترتیب حق سکوت موجب مصونیت شخص متهم از استنباط غلط پلیس می‌شود که ناشی از تقصیر متهم در پاسخ‌گویی است. از سوی دیگر، بنا بر نظر بعضی حق سکوت به طور آشکاری بر کاهش بازداشت‌های به ظاهر قانونی تأثیرگذار است (Fenwick, 2009: 1234). به هر حال سکوت متهم در امور کیفری نه اقرار است و نه کاشف از آن و حتی قرینه‌ای هم بر مجرمیت وی نیست ضمن آنکه «امتناع متهم از پاسخ‌گویی ممکن است دلایل گوناگون داشته باشد: مثلاً متهم تمایل داشته باشد اظهارات خود را در حضور وکیل بیان نماید و یا پیش از آن با وکیل مشورت نماید» (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۲۱۸).

در اعلامیه جهانی حقوق بشر حق سکوت به طور صریح ذکر نشده، اما بند یکم ماده ۱۱ این اعلامیه به طور کلی متعرض تأمین حقوق دفاعی متهم شده است. با توجه به اینکه یکی از پیامدهای حق سکوت متهم، منع از اجبار متهم به دادن اطلاعات و اقرار علیه خود است، لذا می‌توان قائل شد که شق ز بند سوم ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به طور ضمنی حق سکوت را به رسمیت شناخته است. در عرصه داخلی اصل ۳۸ قانون اساسی بدون اینکه صراحتاً به حق سکوت اشاره کند، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع را ممنوع اعلام کرده است. لذا می‌توان گفت اصل مزبور به صورت ضمنی این حق را برای متهم شناسایی کرده است. علاوه بر این، بند نهم ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی هم به صورت غیرمستقیم به حق سکوت اشاره کرده است. در این بند شکنجه متهم به منظور اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع دانسته شده است.

ماده ۱۹۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، سکوت متهم را در مرحله تحقیقات مقدماتی از طریق بازپرس شناسایی کرده است. به موجب مقرره اخیر سکوت «حق» متهم و آگاهانیدن آن به موجب ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری «تکلیف» دست اندرکاران عدالت کیفری است. درست است که ماده اخیر ناظر بر فرایند «تحقیقات مقدماتی» از سوی بازپرس است، اما با توجه به حکم مقرر در ماده ۶۱ که ضابطان را مکلف کرده که تمام اقدامات خود در کشف جرم و بازجویی مقدماتی را منطبق با قواعد تحقیقات مقدماتی کنند، می‌توان حق سکوت متهم در مرحله بازجویی از سوی ضابطان را استنباط کرد. زیرا مطابق با ماده ذکر شده یکی از «ترتیبات

مقرر برای تحقیقات مقدماتی» که رعایت آن برای ضابطان الزامی است حق سکوت متهم است. ضمن آنکه مطابق با ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری توسل به شیوه‌هایی مانند اغفال یا اجبار و اکراه برای واداشتن متهم به پاسخگویی ممنوع شناخته شده است. بدین ترتیب مبرهن است بین پذیرش حق سکوت در فرایند کشف جرم با فرایند تحقیقات مقدماتی تفاوتی وجود ندارد.

نکته آخر در این بحث آن است که تخلف ضابطان در این زمینه با ضمانت اجرای مقرر در ماده ۶۳ روبه‌رو نشده است و در این خصوص اگر ضابطان فقط مفاد «بند نهم ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» را زیر پا بگذارند به مجازات سنگین مندرج در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری محکوم می‌شوند.

۴. حق برخورداری از ضابطان ویژه آموزش دیده در اثنای بازجویی

امروزه مقوله «آموزش» در مرحله کشف جرم اهمیت ویژه‌ای یافته است. کشف علمی جرم می‌بایست از طریق نیروهای آموزش دیده باشد، به همین دلیل افزایش «آموزش‌های خاص» با هدف رفتارهای صحیح با متهمان خاص و افزایش کارایی مقامات پلیس در جرم‌یابی به‌خصوص در اجتماعات ناهمسان، اهمیت روزافزونی یافته است (Council of Europe, 2008: 130). بنابراین، به نظر می‌رسد توجه ویژه به آموزش پلیس به‌خصوص پلیس زن در دانشکده پلیس برای مواجهه و برخورد مناسب با کودک بزهکار و فراگیری مباحثی پیرامون روان‌شناسی، همچنین آموزش تضمین‌های دادرسی منصفانه به پلیس‌های ویژه، گامی مؤثر در رعایت حقوق کودکان و تحقق دادرسی منصفانه باشد (ابراهیمی‌ورکیانی، ۱۳۸۹: ۷۴). در همین خصوص نوآوری قانون جدید که براساس ملاحظات اخلاقی جامعه ایران انشا شده است و گام مؤثری در پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی برخی ضابطان به‌شمار می‌رود، ضرورت بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ از طریق ضابطان ویژه و آموزش‌دیده «زن» است که قانون‌گذار آن را در ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری البته مقید به شرط در صورت «امکان» شناسایی کرده است. شاید ساز و کارهای تأمین نیروی «زن» و امکان اقتصادی در این زمینه یکی از دلایل گریز قانون‌گذار از اجباری کردن این مهم برای خود باشد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار سعی بر آن بود تا یکی از مقولات مهم گفتمان حقوق بشر، یعنی امنیت قضایی و به‌طور خاص، حقوق متهم بررسی شود. در پژوهش حاضر، استانداردهای حقوق بشری مرحله

نخست دادرسی کیفری یعنی کشف جرم در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی) و نظام حقوقی ایران (قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳، قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر ۱۳۹۴، قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) تحلیل شد و نتایج زیر به دست آمد:

۱. حق مصونیت حریم خصوصی ارتباطات متهم در اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی شناسایی شده است. در این زمینه قانون آیین دادرسی کیفری در مواد متعددی (۱۴۶ و ۱۵۲ تا ۱۵۴) حقوق مربوط به مکاتبات اشخاص را با محدودیت‌هایی روبه‌رو کرده است. در این میان افتراق بین «تکلیف» بازپرس در بررسی مراسلات پستی در حضور متهم یا وکیل او (ماده ۱۵۲) و «حق» بازپرس در محروم کردن متهم از حق دفاعی او (ماده ۱۵۴) توجیه پذیر نیست. ضمن آنکه اصل «ممنوعیت کنترل ارتباطات مخابراتی» (ماده ۱۵۰ ق.ا.د.ک.) در جهت جمع بین دو قاعده «حفظ حرمت ارتباطات مخابراتی» و «صیانت حقوق جامعه» با استثنائاتی مواجه شده است. در این زمینه ابهامی که بیش از پیش نمایان می‌شود، گزاره مبهم ماده ۱۵۰ یعنی «موارد مربوط به امنیت داخلی و خارجی» است. به نظر می‌رسد با اتخاذ یک تفسیر «هدف‌گرا» می‌توانیم قائل شویم علاوه بر مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، جرایم محاربه (ماده ۲۷۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲)، افساد فی الارض (ماده ۲۸۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲)، بغی (ماده ۲۸۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲) و مواد ۵۱۳ تا ۵۱۷ قانون تعزیرات نیز در زمره جرایم علیه امنیت محسوب می‌شوند. همچنین، کنترل ارتباطات مخابراتی «محکومان» شامل همه شرایط مقرر در ماده ۱۵۰ است. بدین ترتیب کنترل مخابراتی محکومان نه در مطلق جرایم، بلکه فقط در موارد مربوط به امنیت داخلی و خارجی یا جرایم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری امکان‌پذیر است.

۲. اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جهت پشتیبانی از آزادی‌های فردی مصونیت اقامتگاه و منزل را حمایت کرده‌اند. در عرصه قوانین داخلی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در جهت عملیاتی کردن اصل ۲۲ قانون اساسی، اهمیت ویژه‌ای را برای «منزل و محل سکنی» به‌منزله بارزترین حریم خصوصی قائل شده است، تا جایی که مطابق با بند ث ماده ۴۵ این قانون اختیارات ضابطان در ورود به منزل یا محل سکنی مشروط بر «درخواست» شخص ساکن شده است. ماده ۵ قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ نیز به اصل تعرض نکردن به «مسکن» و «حریم خصوصی» اشاره کرده است. براساس تبصره ماده ۵ قانون مذکور ضابطه «بدون تجسس در معرض دید عموم قرارگرفتن» معیاری است برای شناسایی اماکن عمومی از خصوصی. این ضابطه ناشی از آموزه فقهی است که براساس آن ساکنان جامعه اسلامی مجاز نیستند در معرض دید دیگران مرتکب گناه شوند.

۳. اسناد حقوق بشری به استثنایی بودن تحت نظر قرار گرفتن متهم اذعان دارند. در حوزه قوانین داخلی نیز قانون آیین دادرسی کیفری محدودیت های شاخصی را برای ضابطان مطابق با مواد ۴۴ و ۴۶ قانون مذکور در نظر گرفته است. مطابق با مواد مذکور حق ضابطان بر تحت نظر قرار دادن متهم تحدید شده است و تجاوز از حدود یادشده مسئولیت کیفری ضابطان دادگستری (ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵) را به دنبال خواهد داشت. ضمن آنکه در مورد اخیر قانون آیین دادرسی کیفری جدید در جهت هماهنگ شدن با موازین حقوق بشری در ماده ۲۵۵ همین قانون حق جبران خسارت مادی و معنوی متهمان بی گناه را پذیرفته است.

۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی بر دفاع متهم از خود و حق داشتن وکیل از نخستین مرحله فرایند کیفری تأکید کرده اند. قانون جدید آیین دادرسی کیفری با رویکرد حقوق بشری برای اولین بار در نظام حقوقی ایران، برای متهم حق داشتن وکیل را مطابق با ماده ۴۸ قانون مزبور در فرایند کشف جرم پیش بینی کرده است. چالش مهمی براساس ماده اخیر وجود دارد مبنی بر اینکه آیا وکیل متهم یا متهم حق دسترسی و مطالعه پرونده را دارد یا خیر؟ به نظر نگارندگان ماده یادشده در مقام بیان انحصار حق متهم و وکیل او به صرف «ملاقات» نبوده و حق دسترسی به پرونده در این مورد تابع اصل عدم ممنوعیت است.

۵. اسناد بین المللی حقوق بشری، مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی، در بیان حداقل تضمین های متهم ضرورت تفهیم اتهام به متهم را متذکر شده اند. در حقوق داخلی، اصل سی و دوم قانون اساسی و مواد ۵ و ۴۶ ق.ا.د.ک. مؤید این مهم هستند؛ بدین منظور اگر متهم فارسی نداند یا ناشنوا باشد، ضابطان مکلف اند مطابق با ماده ۲۰۰ و ۲۰۱ ق.ا.د.ک. برای وی شرایط حضور مترجم یا فرد مورد وثوقی را که توانایی بیان مقصود را دارد فراهم کنند.

۶. با توجه به اینکه یکی از پیامدهای حق سکوت متهم، منع از اجبار متهم به دادن اطلاعات و اقرار علیه خود اوست، لذا می توان قائل شد بند یکم ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و شق ز بند سوم ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اصل ۳۸ قانون اساسی به طور ضمنی حق سکوت را به رسمیت شناخته اند. به موجب ماده ۱۹۷ قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز، حق سکوت متهم به طور صریح در مرحله «تحقیقات مقدماتی» از سوی باز پرس شناسایی شده است. به نظر نگارندگان تفاوتی بین پذیرش حق سکوت در فرایند کشف جرم با فرایند تحقیقات مقدماتی وجود ندارد.

با تحلیل آنچه گذشت پیشنهاد می شود قانون گذار به منظور جلوگیری از تضییع حقوق و آزادی های فردی و رعایت هرچه بیشتر حقوق متهم و جامعه به این موارد توجه کند. نخست،

فرایند کشف جرم مانند مرحله تحقیقات مقدماتی (ماده ۱۹۰) تعریف شود. دوم، برای «اشخاص عادی» که ناقض حریم ارتباطاتی اشخاص اند ضمانت اجرای کیفری در قانون تعزیرات پیش بینی شود. سوم، در جهت جلوگیری از طرح سلیقه‌های متفاوت و ناصواب گستره «افراد» به علیه امنیت داخلی و خارجی» در ماده ۱۵۰ ق.ا.د.ک. مشخص، همچنین واژه «افراد» به «متهمان» تحدید شود. چهارم، به منظور احترام به حریم اماکن، حدود اختیارات ضابطان در ورود «بدون اجازه» به منزل یا محل سکنی در جرایم مشهود صراحتاً مشخص شود. پنجم، برای ممانعت از برداشت‌های سلیقه‌ای پلیس، عبارت «قرائن و امارات قوی» در ماده ۴۴ ق.ا.د.ک. تعریف و مصادیق آن احصا شود. ششم، به منظور رعایت نظم ساختاری در قانون نگاری، تبصره ماده ۴۸ ق.ا.د.ک. در ذیل ماده ۱۹۰ درج شود. هفتم، برای ضابطانی که حق دفاعی متهم در ماده ۴۸ را زیر پا می‌گذارند ضمانت اجرای مناسب در نظر گرفته شود و در نهایت به منزله آخرین پیشنهاد لازم است برای رفتار ضابطانی که به منظور تفهیم اتهام و ادله آن به متهم (مواد ۵ و ۴۶ ق.ا.د.ک.) مرتکب تخلف می‌شوند جرم‌انگاری شکل گیرد.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی و رکیانی، فاطمه (۱۳۸۹). *حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون*. تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.
۲. انصاری، باقر (۱۳۸۶). *حقوق حریم خصوصی*. تهران: میزان.
۳. انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰). *حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)*. تهران: سمت.
۴. آخوندی، محمود (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. ج دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۵. آشوری، محمد (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری*. ج دوم، تهران: سمت.
۶. _____ (۱۳۸۳). *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*. تهران: دانشگاه تهران.
۷. _____ (۱۳۷۶). *عدالت کیفری*. تهران: گنج دانش.
۸. _____ (۱۳۷۲). «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. دوره بیست و نهم.
۹. آشوری، محمد و سپهری، روح‌الله (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در حقوق کیفری ایران و فرانسه». *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*. پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶.
۱۰. آشوری، محمد و بهمنی‌قاجار، محمدعلی (۱۳۸۷). «رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی». *فصل نامه حقوق*. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. دوره

- ۳۸، شماره سوم.
۱۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵). «تفہیم اتهام با حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳.
۱۲. _____ (۱۳۸۹). «نگهداری تحت نظر، در علوم جنایی» (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت.
۱۳. بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۷). «مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی»، فصلنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۵۱.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران: گنج دانش.
۱۵. _____ (۱۳۵۳). مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، تهران: ابن‌سینا.
۱۶. _____ (۱۳۷۵). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۱۷. جلال، ثروت (۱۹۹۱). اصول المحاکمات الجزائیه سیر الدوی العمومیہ، الدار الجامعیہ، الطباعه و النشر.
۱۸. خالقی، علی (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و هفتم، تهران: مؤسسه مطالعات حقوقی شهر دانش.
۱۹. _____ (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲۰. خزایی، منوچهر (۱۳۷۷). فرایند کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۲. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۷). «امنیت قضایی به مثابه حق»، فصلنامه مجلس و راهبرد، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۵۶، ۹-۴۶.
۲۳. ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳). «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم.
۲۴. شاکری، ابوالحسن و قاسمی، مسعود (۱۳۹۵). «پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان»، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال هجدهم.
۲۵. شاملو، باقر (۱۳۸۹). «اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی»، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت.
۲۶. شاملو، باقر و مرادی، مجید (۱۳۹۳). «خسارت‌زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان

- بی‌گناه؛ جایگاه حقوقی، فرایند عملی»، سال هفتاد و هشتم، شماره هشتاد و هفتم.
۲۷. فرجی‌ها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۲). «معیارهای دادرسی عادلانه ناظر بر توقیف متهم»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره یک.
۲۸. فضائی، مصطفی (۱۳۹۳). «جایگاه و اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکتترین قضایی اسلام»، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره اول.
۲۹. فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۸۵). «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷.
۳۰. قاری سیدفاطمی، محمد (۱۳۸۹). حقوق بشر در جهان معاصر: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، دفتر دوم، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۳۱. قبله‌ای‌خوبی، خلیل (۱۳۸۷). علم اصول در فقه و قوانین موضوعه، چاپ اول، تهران: سمت.
۳۲. کریمی، عباس و رحیمی‌پور، ایمان (۱۳۸۸). قواعد حاکم بر استجواب کیفری، فصل‌نامه حقوق، دوره ۳۹، شماره دوم.
۳۳. کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲). بررسی مهم‌ترین نوآوری‌های حمایتی و سازمانی لایحه آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی، دایرة‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: میزان.
۳۴. گلدوست‌جویباری، رجب (۱۳۸۸). توسعه قضایی و حقوق متهمان در علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: میزان.
۳۵. محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۸). مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ سی و سوم، تهران: مؤسسه دانشگاه تهران.
۳۶. مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۲). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۷. مدی، بهنام (۱۳۹۲). «بررسی گستره اعمال فرض برائت توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱.
۳۸. مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹). «تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی»، دوفصلنامه حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸.
۳۹. موسوی، محمد (۱۳۹۰). «کشف جرم»، نشریه پیام آموزش، شماره ۲۴.
۴۰. مسعودی‌مقام، اسدالله (۱۳۸۰). «مطالعه تطبیقی حقوق متهم در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده

علوم انسانی.

۴۱. نوبهار، رحیم (۱۳۸۷). *حمایت حقوق کیفری از حوزه های عمومی و خصوصی*، چاپ اول، تهران: جنگل، جاودانه.
۴۲. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). *حقوق بشر و آزادی های اساسی*، تهران: میزان.

ب) انگلیسی

43. Brems, Eva (2001). *Human Rights: Universality and Diversity*, Martinus Nijhoff Publishers, 1th ed.
44. Casenote Legal Briefs (2009). *Criminal Procedure*, publisher: Aspen Publishers Online, 12th ed.
45. Council of Europe (2008). *Policing and Minorities in the Russian Federation: Key International Guidance Documents and Case Studies*, Council of Europe publishing.
46. Crawshaw, Ralph (2009). *Police and Human Rights: A Manual for Teachers and Resource Persons and for Participants in Human Rights Programmes*, publisher: Leiden: Brill; Biggleswade.
47. Fenwick, Helen (2009). *Civil Liberties and Human Rights*, 4th ed, Publisher: Routledge.
48. Hamilton, Claire (2007). *The presumption of innocence in Irish criminal law: 'whittling the golden thread'*, Publisher: Irish Academic Press.
49. Kumar Das, Jatindra (2016). *Human Rights law and Practice*, Publisher: Phl Learning Pvt.Ltd, 1th ed.
50. McCarthy, Svensson, Anna Lena (1998). *The International Law of Human Rights and States of Exception: With Special Reference to the Travaux Preparatoires and the Case-law of the International Monitoring Organs*, Martinus Nijhoff Publishers.
51. Rolando and et. al (2016). *Criminal Procedure: Law and Practice*, publisher: Cengage Learning, 10th ed.
52. Schwikkard, Pamela-Jane (1999). *Presumption of Innocence*, Publisher: Kenwyn & Co.
53. Snyder, Craig A. (1999). *Contemporary Security and Strategy*, First Published in the United States of America by Routledge.
54. Starmer, Keir, Christou, Theodora (2005). *Human Rights Manual and Sourcebook for Africa*, published and Distributed by the British Institute of International and Comparative Law.
55. Stetsovski, Isaakovich (1982). *The right of the accused to defence*, Published by Moscow, Russia.
56. Ulmer, Sidney (2015). *Military Justice and the Right to Counsel*, publisher: University Press of Kentucky.